

۸۹۱۵۰۰۲
۳۰

الحمد لله على حسنه وكرمه

كتاب كامل لطلاب علمي

۵۵

گفتگوی نامه فارسی

با صحت و خوبی و بلوغی کام

مطبع چون پکاشن ملی من چپا

۱۳۵۴۴

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE13466

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد و نعت معلوم باد که احقر العباد مرزا عبد الباقی التلخیص
 ہمیش کتابیکہ برائے حرف زدوں فارسی و درمہربانے انگیزنی و غیرہ بحالت
 دران تھرقلمے چند بکار برتو نامید خاص و عام آفتابینے چند فقرات کار آمد
 ازان برجیدہ و چندے از طرف خود اقروودہ بعنوان سوال و جواب مرتب
 نمودہ نامش گفتگو نامہ فارسی بجا و خدا میداند کہ تالیف این کتاب
 از روی غرضیت بلکه شکرگزاری نوازش و پرورش فرمائے آخذ اوند
 نعمت است کہ این میچدان را در مدرسہ دارالعلوم از تعلیم و تربیت باین درجہ
 رسانیدہ از لیاقت نامہ سرفرازی بخشیدہ باین ہمہ موبومرہون حق
 نمک پروری خود فرمودہ زہے دیوان عالی شان کہ اسم والاایش

نواب محمد الملک بھادریست از غیرت عقل و عدلش چه فلاطون چه نیشتران
 و از رشک فیض سانی و حکمرانی او چه حاتم چخادان بشهر خموشان گیرخته در
 خاک روپوش شده اند بلکه بحال دم زدن ندانند هر چند اوصاف جمیلش
 واجب العیانت است اما چه توان کرد که خارج از بیان است خامه هنگام
 تحریرش سرگردان و از سرگردانی کمال دو نیم جگر و نعره زبان گاه در و ات
 روپوش چنان که بحر استعانت پنج انگشت بر آمدن از آن چه امکان
 گاه اشک بر چهره روان سر فکند بحر کنان ناگزیر بر دعا انقضا رفت او
 الهی تا سطور این کتاب دست بدعاست عمر و دولت آن خداوند نعمت
 و خداوند زادگان و الا عزت یومافو ما در ترقی باد اکنون ای خوانندگان این
 مختصر بحال تمام رحمت آید و جان سوزی تالیف که از بهر شجاعت از دل
 و زاموشش نفرماید۔ رباعی

این نامه چو بینید مایا دکنید	از فاتحه بنیخرو دمایا دکنید
بر خون جگر خوردن من کرده نظر	دلسوز چنین رفت کجایا دکنید

صرف زدن ہا دوست وقت ملاقات

سوال السلام علیکم جواب وعلیکم السلام سوال خوش آمدید۔
 جواب آن یافتم سوال مزاج عالی جواب الحمد للہ سوال بخرد و بزرگ
 بخیر اند جواب بلے ہمہ دعا می کنند سوال بعد مدت تشریف آور وید این قہ
 نے اتھاتی معاف و اید جواب اول حکیم کار ہاے دنیا می گذارند کہ شرف
 اند و خدمت شوم جواب دوم حاضر خدمت نشوم کہ سخت بیار بودم گویا
 زندگی دوبارہ یافتم سوال خبرے تانہ و اید جواب اول خبرے گوش زد
 نشد تا بعرض رسانم جواب دوم میگویند امروز تا کشتی غرق شد سوال
 کجا شنیدید جواب یہ بازار سوال ولے بر حال صاحبیل بیچارہ چه قدر
 نقصان کردہ باشد جواب وہ دوازده هزار روپیہ باشد سوال اجازت
 حالارضت می شوم جواب چرا چرا انقدر و دی سوال نشینید سائے خرف
 ز نیم دے خوش گنیم خدمت شما کار سے ہم دارم امرے صلاح طلبیت جواب
 حالامعاف و اید آغا وقت مدے قریب ست سوال باز کدام وقت

بلے انکے جان بچاؤ کے لیے
 جواب میں خوش
 یافتم وہاں
 انکے ایک گنبد
 فخر و تاج
 جواب میں
 وہاں تو نہ سوال
 انکے بیچارے
 جواب میں

شتریف می آید جواب انشاء اللہ فرمادیم
گفتگو با شخص ناواقف

سوال اسم شریف جواب محمد حنیف سوال اسم والد ماجد جناب حیات
جواب شیخ نبی سوال عمر جناب چه قدر باشد جواب یازده سال
سوال وطن جناب یا بود و یا نش جناب جواب همین بلده گت یا خاک
شیراز سوال علاقه جناب کجاست جواب در سرکار نظامت سوال بکدام خدمت
مأمور هستید جواب تدریسی سوال مشاغل جناب چه قدر باشد جواب صد و پیر
سوال احمد صاحب شما کجا ملازم هستید جواب هنوز یکبار هتم سوال چرا جتجو
بمی کنید جواب حکیم آغا هر چند دست و پامیزم ره بجای نمیرم جناب را با امرای
بلده تعاروفت خصوصیت هست اگر درسی و مقارنش من بیچاره زمان و قلم انحرک
خواهند کرد عند اللہ عند الرسول با جور خواهند شد سوال خاطر جمع دارید حتم
الامکان در خدمت گزاری اجباب قصور نخواهد رفت جواب خدا جناب عالی
را درگاه سلامت وارد و جزای خیر و بکده توجہ دل سوزی بر حال بیچارگان سفیر میند

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
السلامة

وگرنہ دین زمان کسے رکے نئی پرسد کہ چہ حال دارید و درچہ ملائید سوال از کجا
 میرید جواب از شیراز سوال چند درست کہ از شیراز برآمدید جواب سہام
 سوال از کدام راہ جواب از راہ کابل سوال راہ چگونہ است لنے دارد
 یا ندارد جواب آغاچ کویم کسانیکہ میروند سر بکف می برند شکر خدا کہ ما بسلامت
 آمدیدیم سوال اینجا کجا منزل گرفتید جواب بہ سہرا سوال تنہا ہستید یا
 خانہ ترکوچ ہمراہ ہست سوال آغاچ از ترک وطن کردید جواب قبلہ براس
 تحصیل علم سوال حالا کجا میروید جواب اگر خدا ارست از محب در آباد
 میروم چہ آنے کہ در انجاست بہ ہفت کشور تدیدم
 گفتگوئے مدرس

سوال محمد صاحب بر خرید آفتاب برآمد و بلند شد وقت مدرسہ قریب است
 آب گرم طیارست آفتابہ گیرید دست و روشستہ جامہ دیر کنید گاہی نکند
 جواب قبلہ پنجم سوال اے جان پدر امروز بکدر رسید میروید جواب
 بلہ روز از ولایت سوال علی الصباح بر خرید از ضروریات فارع شدہ

لے
 ایچے قابل عیال
 و الخصال بجاہ
 بستہ

لے
 ایچے پنجم سوال
 است

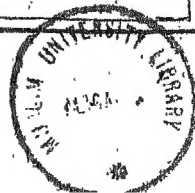
جایه پاکیزه در بر کفیه و بر وقت خود را بدر سه رسانید هرگاه پیش او ستا و آئید
 آواب بجا آریده و ناسته باشید مودب نشینید چون رخصت شوید و در راه
 بازی نکنید و با اطفال عیث کوچه گردی نکنید هر چه برده خوانده باشید شب
 بپوشش کشید چه خواندن شب بر دل نقش می شود و صبح زود تر بیاید جواب
 قبله سیر چشم سوال احمد صاحب بنیاید کتاب خود را بیاید بشنوم چه خوانده اید
 جواب حاضر می شوم سوال چند کتاب خوانده اید حال ادرس کدام کتاب
 جاریت جواب کتب متداوله در فارسی تا سکنه زمانه خوانده ام حال ادرس
 طهوری میگیم سوال استعداد و در فارسی و عربی چه قدر دارید و لیاقت انجام
 کدام کار حاصل گردید جواب در فارسی طهر و طهوری خوانده ام و در عربی شرح
 ملا جامی و هر کار از سر کار مرحت خواهد شد بدولت و اقیال خداوند نعمت احیام
 آن کردن می توانم سوال کتاب و اکتید و از سر بخوانید بلید خوانید ورق بگردانید

این بیت بخوانید بیت

وقت ضرورت چو نازد گریز	دست بگیرد سر شمشیر قهر
------------------------	------------------------

دست بپوش
 سر آینه نده
 بپوشه ورق

معنی و طلبش گویند جواب معنی اینست که وقت مجبوری هرگاه نباشد
 راه گریختن دست بگیرد و ششستیر از او طلبش اینک انسان وقت مجبوری و
 ناچاری که گریختن نمی تواند دست بقبضه شده برگشتن و جان دادن مستعج
 می شود دیگر آنکه انسان هرگاه عاجز می شود بی اختیار نوک ششستیر تنبیه گرد
 و اندیشه نمی کند که دست زخمی خواهد شد و ضربه انسان در عالم مجبوری ترکب
 آن امری شود که در حق او هیچ فایده ندارد بلکه موجب ضرر باشد چنانچه قیدی
 بوقت قتل پادشاه را دستام داد و بگفت سوال بارک الله تعالی روشن
 دارید جواب اول حسن بن بزرگان است جواب دوم بزرگان
 همین قدر و نوازی میفرمایند سوال همین صفحه که خوانده اید تعلش بردارید
 جواب قبله پنجم سوال خط شایسته است جواب از برکت توجه جناب است
 سوال محمود صاحب شما بیاتید بخوانید این چه لفظ است اگر یاد دارید چرا
 نمی خوانید یا کرده بگوئید صحیح و درست بخوانید غلط بکنید آغا جواب قبله



در کتاب همین نوشت است سوال خیر کاتب غلط کرده فلم بگیرد و درست
 کنید جواب پنجم سوال این فقره چه معنی دارد جواب هنوز نو
 آموزم فقط حرف شناسی است معنی شناس سوال هر چه می خوانید بفهمید
 و بخشش در رسیدن طوطی از برگردن و بطلب ز رسیدن چه فائده عالم طفلی را
 غنیمت دانید که وقت کسب علم و هنر همین است رفیق شما نیم صفحه از شما زیاده
 می خواند مگر شرم ندارد جواب نیز خباب سلامت باشد و چند روز بمسئلتش
 می شوم سوال محمد صاحب شما می توانید که این اینجا جواب بلی
 چرا می توانم این نقطه علم است سوال آفرین آفرین جایش بگیرد و بنشیند
 جواب پنجم سوال بی بنیاد احمد صاحب چه ساعتی پرسیدند سبق
 هر روزه یاد می کنند حالا سواد آفکار روشن شده حیل محبت کش اند با نیک
 مدت استعدا دهم ساییده اند جواب بلی و موده جناب همه است
 است سوال محمود صاحب شما درس گرفتید جواب هنوز نگرفته ام آموخته می خوانم
 سوال پس کتیب بن کتیب اولاد درس بگیرد شمار و کتاب بخواند از پر

بخوانید تا از یاد شما نبرد و بدل گوش کنید فہمید جواب بے سوال شوق
 خود بسیارید کہ سنیم این حرف شہای قاعدہ است این حرف بسیار خوبست کہ
 خیال علی طریقت کا خذیم کہ رمی کشد و ات شہا کی است بہ بنید کہ
 آتیہ قدر روشن و سیاہ است جواب بے سوال امروزیدیر آمدید صبح
 میدانید کہ چند ساعت روز برآمد و ساعت چند روزہ درین ماہ دوسہ روز
 غیر حاضر شدید تا توانید غیر حاضر نشوید جواب قبلہ ختم سوال اے بچھا
 بخوانید و درست یاد کنید کہ وقت پر خاست قریب است زد و یا شنید
 زد و یا شنید و ساعت چارہ لمحہ باقیست پس سرم چاشت آید
 بیاتید بیلوس اٹھتہ بنید بفارسی حرف زدن می توانید جواب قبلہ
 غیرت لطفی زبان فارسی ندارم سوال بیاتید بیاتید بفارسی حرف زدن
 و یک دست ترک بندی گویم شرم نکنید چہ تو آید بفارسی حرف زدن
 جواب قبلہ ختم سوال اما نویسی می توان کرد جواب قبلہ
 ہمز نو آموزم یاد نگرفتہ ام از توجہ بناب قریب است کہ می آموزم۔

حاشیہ
 این حرف شہای قاعدہ است
 این حرف بسیار خوبست کہ
 خیال علی طریقت کا خذیم کہ
 رمی کشد و ات شہا کی است
 بہ بنید کہ

در باب فریاد اطفال و تصدیق بآنها
 سوال جناب آغا صاحب قلمتر ششم کم شد جواب همین جا بوده باشد
 زیر فرش همین سوال آخر کجا گذاشته بودی جواب در جزو انتم بود
 سوال احمد تو دیدی جواب نین خبر دارم سوال دیگر که بر داری جواب
 خدا معلوم سوال هاشم کتابم گرفته و نمی دهد و دستبازی میکند جواب
 پیش من بیارے هاشم چرا بامردم جنگ میکنی مال دیگران چرا میگیری خصل
 یه پاک شده هوشیار باش بار دیگر شکایت تو بگو ششم نرسد و الا سخت گویست
 سیکم سوال جناب آغا صاحب بلا خط فرماید که این طفل که وقت خواندن این
 تسحر میکند و خنده می آرد و علی میکند و رومی حمد و مدح میکند و نیزند آه چنان نیز نم
 که فرش زمین میشود جواب ^{نشدی که گوی} او را پیشم بیار سوال ^{چونگی بقیه} آه ملعون چرا جنگ میکنی
 لعنت خدا که در شرارت و سرکشی کم از شیطان هستی جواب من چه کردم این همه
 آیتان عظیم است سوال این یکے گو که ترا شناسد اگر گوی که ماست خیدیت باور
 ندارم ترا اندام میان نمیدانم جواب خداوند است سوال آغا صاحب این طفل که

در خانه حیل و خیرات میکنند همه را تنگ کرده است و در رفاقت چند اطفال محله روز
 شب مشغول بازی و کوچ گردیت و در قمار بازی همه مال خانه بر باد میدهند آخر پانچ
 می شود و روزی روی زندان می بینند و بسبب بودن پدرش بر او دور
 و از خوف و بے اندیشه بوده گفته مادر خود را بخاطر می آورد جواب این همه گفت
 از ناپرداری مادرش بوده است که گشتن روز اول حالا خود کرده را چه علاج خیر گفته
 شما بند و بندش میکنم سوال اے مرد که ترا سزاے معقول میداد تا بود هم دیگران
 تسلیت و عبرت شود مگر عالم طفلی و اموش کردی و آن بیچارگی یا ننداری حالا که
 بقصیل الهی جوان شدی با مادر ضعیف سرکشی میکنی و حرف تند و تلخ میکنی چو آن
 از لطف و کرم حضرت امیدوارم که بتدبیر قصورم معاف شود اگر یار دیگر نصیحت
 کنم هرگز آنکه دهنده سزاوارم سوال اخلاص میکنی خاموش نمی مانی اگر نمی
 ترسی می بینم که یک ساعت بجا تو را نمیگیری هرگز یار دیگر آنجا نروی و الا زیر
 قوی خواهم کشید چه اخته میکنی گستاخ شده بسیار بے ادب هستی کتاب
 از زبان کفن بین پاره پاره می شود و نیای پڑاسن از کجای خجسته پیره

کثیف هستی اگر عدا این حرکت میگردی پس میرسی و پنجه نیک نمی
 دیدی هوش دار باز اینچنین حرکت نکنی بایار می پرسی چرا یا و تمیذاری
 هر چه میگویم بخاطر گنهار چو آب چشم سوال ابی بچهای خجسته شور و خجسته
 عجیبی تیر نهشتید تفرسرم پاک نورید هرگاه سزاخواهید یافت همه دم
 بخود خواهی داشت بحرف بد زبان را آشنا کنید مکتب جاب و خواجه
 نه جاب بیود و گفتن چشم بیاید که سزای گستاخی شما و هم جواب معاف
 کنید قبله باز چنین حرکت نخواهم کرد سوال کار خود بانجام رسانید جواب
 قبله قدس باقیست سوال چه میگوید سخن شما بفهم نمی آید لفظ خود درست کنید
 جواب چشم سوال جناب آن صاحب وقت رخصت شد اگر اجازت
 نجات خود بایرم جواب بروید سوال رخصت دور و رحمت سود که پدر و مادر
 جات همان میروند من هم میروم جواب برو سوال جناب آن صاحب خبر که
 برور آواز میدهد و دستک میزنند جواب بگو تا اندرون بیایند یا پرس که کیستند
 و چه نام دارند و از کجا میروند و چه میخواهند

در جنگ کردن اطفال با یک دیگر

سوال اے مرد کچھ ہنسی دے ایک چٹا بچہ نیز نم کہ خون از پشت چکد جواب ہمہ کس
بہ بینید و گواہ باشید کہ این پر معاش چہ طور سرکشی و زبان درازی می کند سوال
تف بر تو چہ بزدل ہستی کہ حیرت صد ہا و شام سید ہذا اثرے نمی کند مگر غیرتے
نداری جواب اے برادر با سقہ چہ امقابلہ باید کرد سوال اگر مردی بیدان تابیا

بعلی بیگ ضرب تیغ کلت تمام نت سوال ہر و پرو کہ بسا ہر و و دست ہستی
من چند اکتہ تحمل سیکم و خاموش میانم تو زبان درازی و سرکشی پیش می آئی اے
مرد کہ نام تو نمیکم چرا نام من گیری خوف خدا سیکم ویر حال ضعیف رحمی آم
و گرنہ یکشت نیز نم کہ ہمہ استخوانت ریزہ ریزہ میشود جواب قدرت خدا یقیناً
باسن ارادہ بجنگ دارد مگر از زندگی تنگ آمدہ است بجد خود م این را سلاست
نیکدارم سوال از حرفہاے ید زبان خود گنہار و الاذانت خواہم شکست ہنوم
طفل ہستی گرم و سرد ز مایہ پشیدہ ترا بام و مان کارے بیضا و و گرنہ ز ایتھ اینہ
حوکات چنان می یابی کہ بار دیگر ہوا ہم نام کے نمیکرتی جواب پشیم لافانی

مکن تو در حساب هستی اگر مانند تو صد تن بیایند همه را بیک چوب دستی جواب هم
سوال در گذرید آقا هنوز این طفل تا دلت جواب بجان شما دست بردار
منی شوم تا خوشی تخورم این کنیزک زاده چه خواهد کرد که تو نبیتی

در باب بیماریها

سوال امروز احمد نیاید جواب گویند و پروتیب کرده حال قدری افتاده است
مگر هنوز چاق نشده سوال تیارش که میکنند جواب پدرش میکند مگر بسیار
متفکر است هیچ و افاده نمیدهد مادرش سخت بخوابی دارد هر چند دل میدهد و
قسمهای میخورد که جاس اندیشه نیست دست از سینه کوبی بر نید از خدایش خیر
و حد سوال علاج کدام طبیب است جواب حکیم یونانی است سوال
علاج ڈاکٹر چو اینکند جواب مردم ننداز ڈاکٹر می ترسند سوال آخر چرا
جواب فقط نادانیت مگر نفی که در علاج ڈاکٹر دیدم هیچ علان ندیدم و و
اندک و نفی بسیار خدایش شفا دهد سوال امروز سرم در دیکند جواب نصیب
اندا سوال انکے جواب تیشب که از خواب برخاستم خود را مبتلا به همین زرد

یازم سوال از سر دی و شب بیداریت سلسلے خواب کنید رفع میشود و جواب
 یازم سوال جناب غاصب شکم بندہ نصایت در ویکنند اگر اجازت بخازم
 و همین که وینورم باز می آیم جواب برو زود بیا۔

گفتگوی ملازمین

سوال خانہ آغازیہ سیدانی جواب بے سوال این رقعہ بدو و صبر کن تا

جواب بدیند اگر خان بنیاد خادم را بدو وز و در و پس بیا جواب پنجم سوال

این رویه بگیر و سیاه کن جواب نه صرف دکان کت، ده سوال این رویه

قلب است صراف نیگیر جواب خیر دیگر سوال دو فلوس بد لاک بد جواب

پچھم سوال امروں خانہ را کسی جباروب نکرده بیا صفایده و فرست راتبکان۔

گفتگو ہے بلبوس

سوال سیزدهمین تکمیل دارد گریانش تنگ است بند ویر جامه بکش

آستین این یاره شده خیاط را بد که رفو کند بند قیاسکته است غایبه

که درست کند خیاط را بیا تا جامه بر تنم قطع کند و پیرس که بر او دخت

یک جامه چه قدر فرود میگردد و جامه های کثیف بکار بسته اند
و دستارم دستارندیده تا نصب داری به بند و بسیار

گفتگویی آب و طعام

سوال: امروز چه خوردید جواب: نان گندم و قلیه سوال: جناب آغا صاحب
چهرت رسیده اید طعام حاضرست بیایید نوش جان و بایند جواب
بند: پرور خیر خورده ام اشتها ندارم سوال: خیر خیر اینجام نوش جان فرمایند
آخران اینجا بایان اینجا خنک نمی کنند جواب: بجان شما حیرستم
سوال: خیر قدری بخورید یک دو لقمه پیش بخورید بیایند بایان خنک
می شود از غذا التماس خوب نیست جواب: خیر حاضرم گفته جناب بجان
نظورست سوال: چه شود اگر امروز همان بن باشد و بنان و نک قناعت
کنید جواب: ز من سعادت سوال: برادر شما چه می کنند جواب: غل
می خورند و می آیند سوال: حیدر علی برود و فلوس را شیر با آب خوردن
یده جنگام سرماست زغال روشن کن نقل گذارشته بیا را تشکر من بدو
دست نهاده

و قدرے چائے دم جواب پچشم سوال چائے حاضرست جواب معاف
 واریہ آغا میخورم کہ خشکی نمی آرد سوال خیر از یک فغان چه میشود قدرے شیر
 بکنید کہ خشکیش رانی برود جواب پچشم سوال قلیان میل بفرمایند جواب قل
 الطاف شما کم نشود قلیان پیش بنیاب آغا صاحب بگذارید تا دودے کرده بند
 جواب دوم بنده را معاف فرماید کہ عادتش نمی دارم سوال برائے طعام
 خوردن میروم و برائے آب خوردن میروم و برائے شاشیدن میروم جواب برو

گفتگوئے خرید و فروخت

سوال سیوہ فروش حاضرست جواب بیارید کجاست سوال انگویرے
 چند میدی جواب سیرے دو آنه سوال سیب روپیہ را چند جواب بت
 پنج سوال خدارا بین بابا راست بگو جواب شتور دشت صم مکرده ام از شما
 زیاده نمی خواهم زنگش ببینید و بولیش کنید سوال بسیار راست جواب خیر یک
 سخن دارم آغا انگویر از شت آنه کمتر و سیب از سی و آنه زیاده نمی دارم سوال انقدر
 گران فروشی مکن بابا که میگردد جواب خیر مردم باز روی برسد سوال کهنه شده

حرف مرا گوش کن در گران فروشی نفع نیست اگر از آن میفروشی بسیار
می فروشی نفع می بری این رفیقان تو را بچند جواب بپشت آن سوال
اگر تا چند جواب از پنج آن کم نیست سوال چهار آن بگیر جواب غیر گفته
شما بجان منظورست بگیرد سوال انگور سر و زعفران پنج تو را میخوام کم کنش
چه چه خوش باشد خود چیده بدو جواب همانش کیانست سر و فروق
نیت سوال قیمت این فیروزه چه باشد جواب هفت روپیه سوال
پناه سجد جواب یک حرف دارم آغاز پنج روپیه کم نیت سوال اکنون
من هم بگویم جواب بفرماید سوال چار روپیه بگیرد نه اختیار داری
بآمان خدا جواب خیر باشد حالا شب شد بجا برم بگیرد سوال این نظر شما
مال چندست جواب دو روپیه - گفتگو است شب

سوال شام شد چراغ بر کن شمع روشن کن روشنی کمتر دارد و عن چراغ تو
که خاموش نشود گل بگیرد فیلد را پیش کن جواب چشم سوال شب
خیرست جواب شب بجا دتست سوال حالا چفت میشود جواب

لله ان
نفعه و وقت
سیاحت
چراغ
حافظ

کجا سیر و دید شب تاریک است وقت رفتن نیست همین جا خواب کنید بسیار
 گذشته جواب پنجم سوال برآید جناب غاص صاحب فرس بنید از تو تشنگ
 بنگان و بر بالین کجیه بدار و محاف را باین بگذار با وزن کن که حرات نشد نیست
 شب چه قدر گذشته و چه قدر باقیست جواب البتہ پاسی از شب گذشته و نیم
 پاس باقی باشد سوال چنانع را کناره بگذار شمع دان سطرانچه کلید زیر بالینم بدار
 دروازه بند کن چون پاره از شب گذرد و مرید ار کن که چیزی نوشتن است جواب
 قبل پنجم - گفتگوئے بارش

سوال اریسپا از جانب شمال برخاسته بقیہ میرند البتہ خواهد یارید
 و دیده بیا تید قدم بر آید تا پیش از یاریدن خانه رسم نیک و رسید حال ازور
 آور و بیا تید بیا تید کانی پنابے گیر تم تا رت شوم جواب تشریف برید حسن
 عقب میرسم سوال آب زوری یار و کنون استا و حال اکم شد جواب بلا

تفرقات

سوال گریه را دید و تا پنجم دار و ماشا کنید چه بار میا میکند دست پرستش

کشید خوش میشود و خوش میکند همین نشان مجتبی است مرا که توش خیل
خوش می آید جواب بشما آشنایم شده است که هرگاه از پیش شما میرویم
صدایش کنید و دیده می آید سوال گریه مسکین جان تو نیست جواب بل
پیش شما مسکین است از موش و کج تک پرسید ناخن گریه قهر خداست کم از
خجمرت سوال سنگ را نگاه کنید چه لایها میکند به بنید چه طور دم می جنبان
و مشن گیرید که خوش نمی آید بدش کنید و بگذارد که درون بیاید و خوش
را خواب کند و ز بهر ابرو دم و سر گرگش سرد آدم چه گویم همان نقل گریه و
موش بود جواب اگر همین قدرت بعلی ابن ابی طالب این سگ و بخت
کم از شیه نداشت سوال از نوشه پاشا خانه تنگ آمده ام که هر چه اسباب می نیابند
ریزه ریزه میکنند جواب چرا گریه نمی پرورید که از بیکت قدش نام و نشان آید
تو احمد ماند سوال این اسپ حلی چایک است تاب همیشه هم نمی آرد تا
بقمچه چه رسد چه سبب است که فری نمی شود جواب آب و دانه سند با سپه پاس
ولایت نمی سازد سوال این طفل که صورت و سیرت هر دو دست دارد

جواب بی خدا عمرش دراز کند سوال در دست کجا بودی جانم فدای تو از
 مدت دریا و تو ام جواب قربانت شوم من اینجا تحت آقامت بدستم سفر گزین شیراز
 بودم سوال صد دانه اینه اسالنجیت دایم بدایقه درآمده باشد جواب و الله
 خیر اک الله خیل خوش مزه و شیرین برآمد خانه آباد نعمت فریاد سوال اگر بنج به
 لازمان شریف نباشد بغیرب خانه قدم رنجه باید فرمود جواب چه میشود حاضر میشوم
 سوال دو تخته جناب کجاست جواب عازیکه پیش روی جناب است همین بغیر
 خانه است سوال آنجا چند بار درو درید جواب پنج بار دایم یکم و یکم و اهر سوال
 برادر شما کتخدا شده جواب بی سوال زیروز نیاید جواب حکم آغاز کار شما
 فرصت سرخاری ندارم سوال خیرست امروز چه پیش آمد که افتان و خیزان میروید
 اگر نصیب آعدا تشویشی لاحق حال است بغیرمانند که تدبیر و فتن کشیم جواب
 حالا چه گویم که هوا و ایرست سوال چه قسم کردی که خادوم خود را ناحق زودی عیب
 بیا بایه مروت بوده است ظالم بحال زارش رخس و از لطف نگاہ ترنس خدا
 و درو برادر می که همه تسل آدم بخیر نبی آدم ضرورت یکسی او و لم را بدرد آورد

جواب غیر انچه شدنی بود شد سوال میگویند محمد فاضل خیلے ظالم است
 خلق خدا را ناحق رنج میدهد و از زنان می اندازد و جواب این ظالم بی
 انصاف را خدا ایراد و مرده شو تشکل بخش بر د سوال آفرین و رحمت خدا
 که سخن خوبی گفتی و مر حیا و بارک الله خوش حرف میزنی زنده باش جواب
 انچه میفرمایند از راه عنایت است

خاتمه کتاب

الحمد لله والمنة که گفتگو نامه فارسی تاریخ مجسم ماه رجب المرجب
 ۱۲۸۵ هجری با ختام سیده فکریه یک بخت از دل و در گردید خداوند
 تو میدانی این کار که کرده ام بر لب فائده بندگان تست تو هم اگر گنا مان
 من بنده و سر فکند از راه کرم عفو کنی شایان تست ریاضی

یار بکنده هر آنکه کتاب را	خواند هر آن کس که از رحمت کتاب
آن هر دو را بهر دو جهان و در سر جزو	گردان قبول اهل ذر است کتاب
هر که طالب این نسخه مختصر است بنجد متش چنین عرض احقرت ریاضی	

<p>بے عیب بود ذات خدا عیب مکن سیداری اگر عقل رسا عیب مکن</p>	<p>یابے چو درین نامه خطا عیب مکن از جانب حق دان تو همه خوب خراب</p>
	<p>رباعی</p>
<p>روز و شب خون جگر خوردم هما انصاف بیخه انصاف است و مرود خدا انصاف مکن</p>	<p>اسے زراہ لطف بین این نامہ انصاف مکن من باین حجت کشیدم عیب حتی تو کنی</p>
<p>قطعه تیار مع تالیف این کتاب از نیاز طبع عالم و فاضل و کامل اوستادی مولوی عبدالرحمن صاحب قیلہ المختص بساؤ</p>	
<p>یعنی این گوهر نفیس بسفت بے بجایے نظیر نامہ بگفت</p>	<p>نامہ چون ہوش اختتام نمود یاد بے اختیار تار بخش</p>
<p>الحمد لله الملك الوهاب والصلوة على رسولہ الى يوم الحساب کاین کتاب مفید طلبہ شتمل بر سوال و جواب روزمرہ فارسی نفیس در مجاورہ سلیس و مطبوع چون پرکاش و ہلی از اختتام جناب اسے گرد ہلال طبع شد ۱۳۴۶</p>	

CALL No. { ۸۹۱۵۵۴ (۵) } ACC. No. ۱۳۲۶
 AUTHOR قوش، مرزا عبداللہ بیگ
 TITLE گفتگوی نامہ خاری

Acc. No. ۱۳۲۶۶ (۵)
 Class No. ۸۹۱۵۵۴ Book No. ۲۶۲
 Author قوش، مرزا عبداللہ بیگ
 Title گفتگوی نامہ خاری

THE

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

